

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۴۰۲

صص: ۸۹-۱۱۲

شاپا: ۸۴۸۷-۲۲۵۱

نقد و بررسی راه‌های دست‌یابی به اغراض ثانوی کلام (مطالعه موردی: تشبیه تمثیلی آیات قرآنی) با شاهد مثالی از شعر حافظ

لیلا علیمرادی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران

دکتر صفدر شاکر (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران

دکتر ابراهیم زارعی‌فر

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران

چکیده

علم معانی که که عمده مباحث آن سخن بلیغ است، به گستره‌ای از ظریف‌ترین شیوه‌های زیبایی‌شناختی کلام و تأثیر آن اطلاق می‌شود از جمله قابلیت‌های زبانی این علم که به مقتضای حال و مقام بیان می‌شود تا سخن را مؤثرتر جلوه دهد، اغراض ثانوی کلام خبری و انشایی است که در کتاب‌های بلاغی ضمن بحث کلام خبری و انشایی به برخی از مقاصد ثانوی این نوع از کلام که در حیطه معانی مجازی آن است پرداخته اند؛ هرچندکه اغراض ثانوی، تنها به همین معانی ثانوی یاد شده در این کتب محدود نمی‌شود و پویاتر و بیشتر از موارد یادشده است. نظر به اهمیت این بحث و نقش آن در بررسی و درک بهتر کلام و فواید آن در فن سخنوری، زبان‌شناسی، نقدادبی، دستورزبان و... که به نوعی همگی به علم معانی مربوط می‌شوند، ضرورت می‌یابد که در این خصوص، به موارد چندی که در درک و ره‌یابی به معانی و اغراض ثانوی کلام مؤثرند، اشاره شود. برای این منظور، داده‌های مورد نظر در این پژوهش، جمله‌های تمثیلی کلام الهی است، تا با تحقیق و بررسی آن به مواردی از نشانه‌های دست‌یابی به معانی ثانوی کلام راه یافته شود. برای تبیین بهتر مطلب شاهد مثال‌هایی هم از شعر شیرین سخن حافظ به همراه تمثیل‌های قرآنی در دست‌یابی به اغراض ثانوی کلام همراه داشته‌ایم. نتایج حاصل نشان از آن دارد که، جایگاه و اهمیت موارد چندی هم‌چون: مبتدا، مخاطب، گوینده، صنایع بدیعی و بیانی و موسیقی کلام، تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و... در فهم معانی و اغراض ثانوی کلام می‌تواند مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: علم معانی، اغراض ثانوی، کلام تمثیلی قرآن، نقد و بررسی، شعر تمثیلی حافظ

Email: b12alimoradi@yahoo.com

safdar.shaker@gmail.com

zareifar@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

بلاغت و شیوایی سخن همواره در هر زبانی و زمانی توجه انسان را به خود جلب کرده‌است. جمله‌های متفاوت با لحن‌های مختلف در معانی گوناگون در گفتارها و نوشتارهای ما بیانگر ذوق هنری گوینده و نمایانگر جایگاه علوم بلاغی در گستره‌ی زبان از دوره‌های گذشته تاکنون است. بلاغت فارسی برگرفته از بلاغت عربی و نمونه‌ی بارز آن بلاغت قرآنی است. سخن گفتن به مقتضای حال و مقام و تأثیرگذاری هرچه بیشتر آن، گامی مؤثر در تبیین اصولی دانش معانی در نوشته‌ها و گفته‌هاست. علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آنها کیفیت مطابقه کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. (تفتازانی، ۱۳۱۰: ۳۷ و همایی، ۱۳۷۳: ۲۱) موضوع آن الفاظی است که رساننده مقصود متکلم باشد و فایده آن آگاهی بر اسرار بلاغت است. علم معانی به موارد مختلفی از جنبه‌های بلاغی کلام می‌پردازد که یکی از آن موارد اغراض ثانوی جمله‌های خبری و انشایی است. «کلماتی که محل توجه اهل بلاغت باشد همواره دو معنی در بردارد یکی معنی لغوی که معنی اصلی کلام است و دیگری معانی که متکلم در نظر گرفته و کلام را به دلیل افاده آن یعنی بر لطایف و خصوصیات که متناسب با مقتضای حال باشد مشتمل گرداند این معنی را نظر به این که مدلول کلام در مرتبه‌ی ثانی است معنی دوم گویند.» (رجایی، ۱۳۴۰: ۲۱) بر همین اساس چگونگی بیان و توجه به معانی ثانوی کلام را در تشبیه‌های تمثیلی آیه‌های قرآن بررسی و جنبه‌های مختلف دست‌رسی به اغراض ثانوی آن بررسی شده است. کلام تمثیلی آیات قرآن خود برای القای مقصود گوینده از چندین جمله تشکیل شده‌اند و بر روی هم معنایی واحد را به ذهن می‌رسانند، برای شناساندن راه‌یابی به معانی ثانوی کلام همه جمله‌ها در نظر داشتیم نه تنها خود جمله تمثیل. در کتب باارزش علم معانی، بزرگان علم و ادب معانی گوناگونی را برای جمله‌ها از جنبه‌ی اغراض ثانوی آن در نظر گرفته‌اند اما راه دست‌یابی آن و چگونگی توجه به آن مورد بررسی واقع نشده است. در این پژوهش برآنیم تا با توجه به سیاق کلام و توجه به ویژگی‌های خاص در جمله به معانی ثانوی کلام توجه و دست‌یابی این مهم را آسان‌تر و راحت‌تر نشان دهیم. برای ملموس و عینی شدن مباحث مطرح، در جای جای موارد از شعرو کلام حافظ هم بهره می‌بریم تا علاوه بر کلام قرآن توانسته باشیم در شعر فارسی هم کاربرد آن را نشان دهیم.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

در این نوشتار کوشش شده‌است تا با توجه به سیاق جمله و مواردی از کلام دستیابی

به فهم معانی ثانوی تحلیل شود و کارکردها و اهمیت آن تبیین شود تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- اهمیت معانی ثانوی کلام در چیست؟
- ۲- چه ساختارهایی از کلام در درک معانی ثانوی دخیلند؟
- ۳- ظاهر و باطن کلام تا چه اندازه می‌تواند در ره‌یابی به معانی ثانوی دخیل باشد؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

در توجه به معانی ثانوی کلام و اهمیت آن در کتاب‌های بلاغی و منابعی که در این مورد است بسیار پراهمیت جلوه داده‌اند و از گذشته‌های دور تاکنون در خصوص معانی ثانوی کلام در جمله‌ها به ویژه کلام شعری، پژوهش‌ها و مقاله‌های بی‌شماری انجام گرفته است؛ اما در زمینه راه‌یابی و دست‌یابی به معانی ثانوی کلام، تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. و تنها پژوهشی که مبحثی از آن به نقد معانی ثانوی در کتب معانی پرداخته است، نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی از دکتر فاطمه جمالی (۱۳۹۵) است که در مجله بلاغت کاربردی و نقد بلاغی چاپ شده است.

لازم به ذکر است پژوهش حاضر، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که درضمن موارد مبتنی بر فهم اغراض ثانوی، ابتدا درباره آن توضیحی داده می‌شود و سپس آیه‌هایی تمثیلی از قرآن به همراه ترجمه آن از مفسران بزرگ، بر مبنای سیاق ظاهری و باطنی کلام در درک معانی ثانوی آن بررسی می‌شود. همچنین شاهد مثال‌هایی مرتبط با هر مبحث از کلام حافظ شیرین سخن شعر فارسی آورده می‌شود.

۲- بحث و بررسی

معانی ثانوی کلام چنان‌که همایی نیز آن را با عنوان «معانی مجازی جمله» (همایی، ۱۳۷۳: ۹۷) یاد می‌کند در حیطه معانی مجازی است. بزرگان علم بلاغت قدیم در اسناد خبری و انشایی از این ویژگی علم معانی بهره برده‌اند و مخاطب را از اهمیت کاربرد تأثیرگذار این بحث مهم بلاغی آگاه ساخته‌اند چنان‌که عبدالقادر جرجانی فصاحت و بلاغت را «مبتنی بر معنی می‌داند نه لفظ» (جرجانی، ۱۳۶۸: ۳۰۹) علم معانی در بسیاری از مباحث با دانش زبان‌شناسی صورت‌گرا و ساخت‌گرا و در نهایت سبک‌شناسی زبان شناختی مشابهت‌های فراوانی دارد با بررسی در آثار بلاغیون به نشانه‌هایی از نقد و تحلیل ادبی مشابه با نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی و نقد ادبی معاصر در آثارشان برمی‌خوریم که بیانگر ارتباط زیاد علم زبان‌شناسی، معنی‌شناسی و نقد ادبی با دانش

علم معانی در جنبه‌های گوناگون است. هم‌چنین شاخه‌هایی «کاربرد شناسی، یا منظور شناسی زبان»، نظریه «کارگفت یا کنش‌های گفتاری» و «معناشناسی» که در تبیین معانی دوم کلام بنا شده‌اند علم کاربرد شناسی (Peragmatic)، مطالعه‌ی معنای غیر قابل رویت است معنایی که شنونده قادر به شناسایی آن بوده و از طریق بافت تعبیر می‌شود «مسئله اصلی مطرح در این حوزه آن است که چگونه شنونده برای فهم منظور گوینده به استنباط‌هایی از کلام وی دست می‌زند و چگونه بخش بزرگی از ناگفته‌ها جزو پیام محسوب می‌شود، در معناشناسی زبان شناسانه در حقیقت معنای نامرئی مورد کاوش قرار می‌گیرد (پالمر، ۱۳۶۶: ۴۲). آنچه امروزه در قالب معناشناسی و دیگر موارد زبان‌شناسی و درک معنای کلام از آن یاد کرده‌اند در اندیشه‌های والای بزرگان علم و ادب از طریق همین علم معانی و مقاصد اغراض ثانوی محقق شده است و اصل و اساس آن برگرفته از بلاغت آیات قرآنی در ابتدای تدوین علم بلاغی است در آیه‌های تمثیلی-که مورد بحث ما در این گفتار است- خداوند مقصود نهایی خود را با شباهت‌های ملموس و عینی آشکار می‌سازد تا از خلال این کاربرد دست‌رسی به مقصود و معانی نهایی کلام با توجه به دیگر موارد بلاغی آسان‌تر و راحت‌تر میسر شود و با گزینش آگاهانه و بلاغت بالای سخنوری و چاشنی ذوق و خبرگی در پروردگی معانی ثانوی کلام تمثیلی آیه‌های قرآن تأثیر به سزایی در روح و روان مخاطب بر جای گذارد. آیه‌های تمثیلی قرآن مثل دیگر کلام‌ها یا در حیطه خبرند یا انشا. جمله خبری، جمله‌ای که قابل صدق و کذب باشد. مقصود اصلی خبر، آگاهی دادن به مخاطب و مطلع ساختن او از حکمی است چنان‌که مخاطب اطلاعی از آن نداشته باشد (فایده خبر) و گاه ابراز و اظهار گوینده است از آن چه می‌داند (لازم فایده خبر) «اما گاهی برای خبر اغراض و معانی خاصی تصور می‌شود که از قراین و ساختار کلام استفاده شده است.» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۶۹). و این معانی ثانوی کلام و جنبه بلاغی آن است که گوینده به دلیل القای آن، ساختارهای خبری و انشایی را برای خود برمی‌گزیند در کتب معانی قدیم و جدید همچون: مختصرالمعانی، جواهر البلاغه، معالم البلاغه، معانی و بیان شمیسا، معانی همایی، معانی و بیان علوی مقدم و اشرف زاده، معانی ثانوی متعددی، برای جمله‌های خبری و انشایی مطرح کرده‌اند. از این مقاصد ثانوی از واژه‌هایی با بار منفی همچون: حسرت، توبیخ، ملامت، اندوه، ضعف و واژه‌هایی با بار مثبت همچون: مدح و ستایش، تشویق، ترغیب، تفاخر و... یاد شده است. به طور مثال در مصراع‌ی از حافظ «روز هجران و شب فرقت یار آخر شد» (حافظ، غزل ۱۶۶) که اغراض ثانوی کلام بارمعنایی مثبت دربردارد؛ مقصود گوینده سپری شدن هجر و جدایی نیست بلکه اظهار آسودگی و پایدانی خوش است. در تعریف از کلام انشایی آورده شده است: «آن

الانشاء قد یطلق علی نفس الکلام الذی لیس لنسبته خارج تطابقه او لا تطابقه» (تفتازانی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۹) و ر. ک. رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۱؛ هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۵) انشا کلامی است که مضمون و محتوای آن پدید نمی‌آید و در خارج محقق نمی‌شود مگر آنکه آن را بر زبان آوری بنابراین خواستن یک کار در فعل امر و درخواست خود داری از انجام یک امر در نهی و خواستن محبوب در تمنی و طالب فهم و دریافت مطلبی در استفهام و خواستن توجه و روی آوری مخاطب در ندا، همه اینها به وجود نمی‌آیند مگر با صیغه‌هایی که بر زبان جاری می‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۸۹) در کلام انشایی نیز اغراض ثانوی کلام می‌تواند مواردی همچون: دعا، التماس، تمنا، تعجب، تهدید، اکرام، تحقیر، جلب توجه، بشارت، فروتنی، فخر، تشویق، شادی، کراهت، استرحام و... باشد. مقاصد ثانوی کلام به آن چه در کتب بلاغی بیان شده است محدود نمی‌شود و گاه یک کلام بیش از یک مقصود و غرض نهایی در پی دارد برای رسیدن به این هدف گاه در خود کلام موارد و نشانه‌هایی موجود است که می‌تواند در القای معانی ثانوی کلام مؤثر باشد. و گاه با توجه به بافت و معنی درونی واژه‌ها می‌توان به این مهم دست یافت حال در این پژوهش برآنیم تا مواردی را برشماریم که می‌تواند ما را در نیل به مقصود و اغراض ثانوی کمک کند و بیانگر ارزش و جایگاه‌های مواردی از کلام خبری و انشایی باشد که رهنمون به غرض اصلی کلام (معانی ثانوی) است و برای این منظور از آیه‌های تمثیلی کلام الهی کمک گرفتیم. تشبیه تمثیل آیات الهی که با زبانی روشن و ملموس مواردی مختلف از ابعاد زندگی انسان را به نمایش می‌گذارند و مثال‌هایی که آورده می‌شود به تنهایی یا در ارتباط با دیگر اجزای کلام می‌توانند معنایی متفاوت در برداشته باشند که همان معانی ثانوی کلام است «در تحلیل معنای واژگان قرآن، باید به معنای خاص آن در عرف قرآن مراجعه کرد و تنها بررسی مدلل کاربردی و معنای قاموسی برای این مقصود کافی نیست زیرا کاربردهای لغوی نمی‌توانند رساننده همه اندیشه‌ها و معانی باشند.» (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۲۳۷). و باید به نظام معنایی حاکم بر آیه‌های تمثیلی و جایگاه هر واژه و جمله در کل نظام معنایی کلام تمثیلی و ارتباط هر واژه با سایر واژگان و دست‌یابی به واژه‌ای خاص در کلام، و گاه رهیابی به مفهومی ناب از بین همه مفاهیم یک کلام تمثیلی خارج از جهان‌بینی حاکم بر آیه‌های قرآن و نظام معنایی آن غافل نشد. هم‌چنین در شاهد مثال‌هایی که از شعر حافظ آورده شده است نشان از این دارد که هم در کلام نثر و هم در کلام شعر، نشانه‌هایی وجود دارد که می‌تواند رهنمون مخاطب در درک بهتر معانی ثانوی کلام باشد و این درایت و دانایی مخاطب را می‌طلبد که با تأمل و درنگی زیرکانه ابعاد مختلف کلام را از جنبه‌های گوناگون بررسی نماید تا بتواند از خلال آنها به هدف اصلی نویسنده و شاعر به بهترین وجه

ممکن دست یابد و لذت و شیرینی بهره‌وری از کلام را دوچندان سازد.

بررسی و نقد راه‌های تشخیص معانی ثانوی

در زیر به نقد و بررسی مواردی چند پرداخته می‌شود که می‌تواند گشایشگر ما در ره‌یابی به مفاهیم ثانوی در کلام خبری و انشایی باشد. شاخصه‌های راه‌یابی به معانی ثانوی کلام هم از منظر فرم یا شکل ظاهر و هم از نظر محتوا و غرض و هم از نظر مخاطب و گوینده کلام و... می‌تواند راهنمای ما باشد. لازم به ذکر است، از آنجاکه کلام تمثیلی ممکن است از چندین جمله تشکیل شده باشد و همگی در القای معانی ثانوی مؤثر باشند در راه‌یابی به معانی ثانوی جمله‌های تمثیلی، همه لحاظ شده‌اند. در ادامه هر مورد برای تفهیم و توضیح بهتر مطلب از کلام شعری حافظ در القای بهتر مطلب بهره‌برده‌ایم.

– جایگاه چندین معنی در کلام در القای اغراض ثانوی کلام

گاهی جمله تداعی‌کننده یک معنی ثانوی نیست؛ بلکه چندین معنی ثانوی در همراهی یکدیگر مقصود را بیان می‌کنند که این هدف‌ها و مقاصد ثانوی در یک جمله یا عبارت گاهی متفاوت از هم و گاهی در جهت تکمیل مفهوم یکدیگرند. از آنجا که در جمله‌های خبری و انشایی قرینه صارفه مشخصی چون قرینه صارفه مجاز و استعاره وجود ندارد تا نشانی از معانی ثانوی باشد، گاهی چند غرض ثانوی از یک کلام استنباط می‌شود و سهم عظیمی در استنباط دویاچندگانه اغراض متوجه و مربوط به عدم وجود قرینه صارفه مشخص است، در آیه تمثیلی ۲۶۱ بقره می‌خوانیم: «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱)

در جمله «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تا این جا که کلام خبر از انفاق می‌دهد نوعی مفهوم بشارت در آن نمایان است، اما با آوردن «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» این جمله که انبساط خاطر و شادی‌بخشی را برای مخاطب به همراه دارد مقصود ثانوی دیگری از آیه تمثیلی است که علاوه بر این که احساسات فرد را نشانه می‌رود و شادمانی به همراه دارد و عمل نیک انفاق را می‌ستاید؛ مقصود دیگر آن ترغیب بر عمل نیک انفاق در راه خداست هم‌چنین می‌تواند جلب توجه هم باشد با آوردن جمله، «حبه انبتت» و دیگر، باشکوه جلوه دادن آن و تعظیم عمل انفاق، با جمله «سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه» آشکار است این همه معانی ثانوی برای این جمله مکمل هم و تداعی‌گر یک مفهوم کامل و واحد است و آن هم ترغیب و تشویق به امر انفاق که خشنودی خداوند از این عمل را در پی دارد. هر کدام از این معانی در القای معانی نهایی ارزشمند و کامل‌کننده یکدیگر و تداعی‌کننده یک مفهوم کامل و واحدی

برای آیه است و آن اینکه، بهترین عمل‌ها، عمل خیری است که پاداشی چند برابر دارد، در مجموع حس خوشایندی و امید و رجا را در ذهن خواننده به جا می‌گذارد.
در بیت

در بوستان حریفان مانند لاله و گل هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری
(دیوان، غزل ۴۴۴)

مشبه: حریفان جام به دست در بوستان؛ مشبه‌به: مانند لاله و گل؛ ادات تشبیه: مانند؛ وجه‌شبه: همراه داشتن اسباب شادی و نشاط. در نگاه اول، با توجه به واژه‌های بوستان، لاله، گل، جام، معنی شور و نشاط و شادابی از این بیت مستفاد می‌شود. بادرنگ و تأمل و توجه به عبارت «یاد روی یار» حسرت و دوری به ذهن متبادر می‌شود در مجموع هر دو معنی ثانوی در این بیت، متضمن توجه به معشوق و به یاد او بودن در هر لحظه است که معانی ثانوی این کلام ارزشمند از حافظ را به مخاطب عرضه می‌دارد و همان بزرگداشت مقام معشوق و یار در هر جا و مکان و هر لحظه است.

– جایگاه ارزشمندی یک اغراض ثانوی بر دیگر غرض‌ها

گاهی ممکن است کلام، دارای چندین معانی ثانوی باشد و هر کدام ارزشمند باشند؛ اما یکی بر دیگری برتری بیشتری دارد بنابر دلائلی که در سیاق نظم جمله‌ها وجود دارد و بدون دلیل نمی‌توان یکی را بر دیگری موارد برگزید. آیه در آیه ۱۲ حجرات می‌خوانیم: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲)

بارزترین معانی ثانوی آن دوری و پرهیز است چنان که از واژه «اجْتَنِبُوا» فعل امر که در ابتدای کلام آمده است و با توجه به اول آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا» همزمان تداعی‌کننده اغراضی همچون جلب توجه، آگاهی دادن، ارشاد و راهنمایی ترغیب به امری پسندیده یا نهی از امری ناپسند باشد اما با توجه به ادامه آیه کثیرا من الظن..... آشکار است که غرض ثانوی دوری و پرهیز از امری ناپسند است و با دقت به مفهوم جمله‌های بعد که تأکید بر روی جمله سؤالی «أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» است در این جمله پرسشی که پرسشگر، در اینجا خداوند است نمی‌پرسد تا بداند بلکه هدف اصلی، که غرض ثانوی و اصلی کلام تمثیلی، همان دوری و پرهیز است که بر دیگر اغراض برتری دارد. جمله‌های پرسشی همچون جمله اخیر، تا زمانی که به قصد درک مجهول به کار رود در معنای حقیقی خود به کار رفته است و در صورتی که گوینده انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد در معانی ثانوی خود به کار گرفته شده است. «این

نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی یا استفهام در معنی ثانوی خود می‌نامند.» (ر.ک. کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) پرسش چه در معنی حقیقی و چه در معنی ثانوی در ایجاد ارتباط با مخاطب بسیار مؤثر است؛ زیرا جملات پرسشی، مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفت و گو سهیم می‌کنند تا هشدار اصلی کلام را به او نشان دهند. همچنین علت دیگری که می‌تواند بدلیلی تأکید بر معانی ثانوی در این کلام پرسشی باشد این-که «اگر ادات استفهام در مقامی استعمال شوند که متکلم جاهل به مورد سؤال است آنها در معنی حقیقی خود به کار رفته‌اند و اگر در مقامی به کار روند که گوینده عالم بر مسوول عنه (موردسوال) باشد مجاز مرسل یا کنایه می‌باشد کنایه از باب ذکر ملزوم و اراده لازم و مجاز از باب ذکر لازم و اراده ملزوم (ر.ک. آیین بلاغت، ج ۲: ۲۸۳-۲۸۲) در اینجا که جمله سؤالی در معنی حقیقی خود به کار نرفته، سؤال از نوع تحقیق و تثبیت است و خداوند با سؤال از مخاطب خود می‌خواهد دانسته و علم خود را تثبیت کند و از او اقرار به درستی گفته خود بگیرد. که غرض اصلی کلام هم در همین جا نهفته است.

در بیت

گرچه از آتش دل چون خم می در جوشم مهر بر لب زده خون می خورم و خاموشم
(دیوان، غزل ۳۴۰)

مشبه: من، مشبه به: خم می، ادات تشبیه: چون، وجه شبه: جوش و خروش و اضطراب؛ با توجه به عبارت «آتش دل»، «خم می در جوشم» و «خون می خورم» سختی، رنج و ناراحتی در ذهن می‌نشیند که یکی از معانی ثانوی این کلام است؛ با توجه به «مهر بر لب زده» و «خاموشم» که همان دم نزدن و سکوت است، دیگر معانی ثانوی این کلام را که همان صبور بودن و شکیبایی است در ذهن می‌نشانند؛ اما با توجه به این معنی، اغراض ثانوی دیگری از این کلام که از سیاق هر دو مصراع بر می‌آید امید به توجه و دیدار معشوق و رضایتمندی از این وضع موجود است که نسبت به دو معانی ذکر شده قبل در خور توجه و اهمیت بیشتری است.

– جایگاه مفهوم کلام در القای معانی ثانوی کلام

مقصود اصلی (معنی ثانوی) کلام با مفهوم کلام می‌تواند ارتباط مستقیم وجود داشته باشد به گونه‌ای که اگر صورت تأویل شده یعنی همان غرض ثانوی قرار گیرد درسیاق صحیح کلام اشکالی ایجاد نشده است. «بسیاری از صاحب نظران برآنند که معنی را باید دریافت و کاربرد شناخت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) و این برداشت می‌تواند تابع روح متکلم یا روح مخاطب باشد یا هر دوی آنها و آنچه به مقتضای حال

برگردد.» (دیباجی، ۱۳۹۱: ۵۸۰)

در آیه ۴۰ اعراف آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ». (اعراف/۴۰) جمله «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» مقصود ثانوی این خبر تمثیلی تأکید بر امری غیر ممکن است که در جهت تداعی کل جمله استفاده شده است در اصل این خبر این گونه تأویل می‌شود حتی لایلج الجمل فی سم الخياط (تا این که شتر در سوراخ سوزن وارد نشود). در این جا «چون مقصود محال بودن ورود کفار به بهشت است معنی شتر و عبور شتر از سوراخ سوزن مناسب‌تر است، معانی لغوی جمل را به طناب محکم و کلفت کشتی هم معنی کرده اند (تفسیر مجمع البیان، ج ۳: ۶۴) با این تفسیر ورود کافران به بهشت تعلیق بر امری محال دانسته شده و این تعلیق بر محال کنایه از آن است که چنین امری محقق نمی‌شود و باید همیشه از آن مأیوس باشند (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ۱۴۴) در تفاسیر مختلف هم، دلیل بر امری غیر ممکن را بیان داشته‌اند.

در بیت

در این چمن گل بی‌خار کس نچید آری چراغ مصطفوی با شرار بولهبیست
(دیوان، غزل ۶۴)

مشبه: نچیدن گل بدون خار؛ مشبه‌به: چراغ مصطفوی با شرار بولهبی؛ ادات تشبیه: محدوف؛ وجه‌شبه: توأمان شادی و غم، سختی و نشاط. در این تشبیه تمثیل و مضمحل مشبه در هیأتی مرکب به مشبه‌به در هیأت مرکبی دیگر تشبیه مرکبی پدید آوردند. مشبه حسی و حس بینایی و مشبه‌به عقلی است، از مظاهر طبیعت که همراهی خار و گل هست برای تبیین مفهوم ذهن خود استفاده کرده است. گل نماد خوبی‌ها و خار نماد رنج‌هاست و این دو نماد در برابر چراغ مصطفی و شرار بولهب که مشبه‌به است، واقع شده‌اند. در این تشبیه تمثیل از کنار هم قرار گرفتن خار و گل که نوعی نشاط همراه با رنج را به ذهن می‌رساند با درک این دو مفهوم (گل و خار) به راحتی به معانی ثانوی کلام که خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در کنار یکدیگرند می‌توان دست یافت.

– گیرنده (مخاطب) کلام در معنی ثانوی کلام می‌تواند مؤثر باشد.

این که گوینده دریابد مخاطب کلامش عموم جامعه است یا طبقه‌ای خاص، مقتضای کلام را رعایت کرده است و توجه به مقتضای کلام در این مورد خود در بیان معانی ثانوی کلام تأثیر چشم‌گیری دارد. جایگاه مخاطب و ارتباط معنی ثانوی جمله، نقش مهمی در انتقال اندیشه‌های گوینده و دریافت آن از طرف دریافت‌کننده دارد از شاخص‌های کیفی در القای معانی ثانوی کلام شناخت مخاطب و شخصیت وی و بر اساس آن سخن

گفتن است که تأثیر بیشتر کلام به دنبال دارد معانی ثانوی کلام کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است به عبارت دیگر تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی کلام میسر می‌شود. ارتباط میان اغراض ثانوی جمله و جایگاه مخاطب، نقش مهمی در انتقال اندیشه‌های گوینده و دریافت آن دارد کیفیت حضور مخاطب که به نوعی بیانگر پویایی متن است از شاخصه‌های مهم در درک معانی ثانوی کلام و امری ضروری و روشن است. خداوند در کلام تمثیلی خود همیشه جایگاه مخاطب که ارتباط مستقیمی با مقاصد ثانوی جمله دارد در نظر داشته‌است و در خطاب با کافران، از مقصودهایی چون ملامت و نکوهش، تحقیر، توبیخ و تنبیه استفاده کرده است؛ در آیه ۱۶ بقره آمده است: أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (بقره/۱۶) خریدن گمراهی به جای هدایت خطابی ملامت گونه و تحقیری است که خداوند در القای معانی ثانوی خود در نظر داشته است. یا در جایی که مخاطب کلام مؤمنان هستند از تکریم و پاسداشت و تعظیم آنها در معانی ثانوی غافل نبوده است. در آیه ۲۵۶ بقره آمده است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۵۶) که از انفاق کنندگان یاد می‌کند عمل آنان را به بوستانی که باران رحمتش را بر آن می‌بارد تشبیه می‌کند و اغراض ثانوی کلام همان خوشی و شادابی و ستودگیست که از عمل نیک مخاطب که مومنان هستند به خود آنان می‌رسد.

این که مخاطب خاص یا عام باشد و محوریت آن در کلام، در القای معانی ثانوی مؤثر است شناخت جایگاه مخاطب خاص یا عام بودن با مقاصد ثانوی جمله ارتباط مستقیمی دارد. ذکر این نکته نیز خالی از ظرافت نیست که سهمی و لولناچیز از دریافت غرض خاص از اغراض ثانوی متعلق به حال و هوای و غرض خواننده یا شنونده دارد.

در بیت

بنفشه طره مفتول خود گره می زد صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

(دیوان، غزل ۱۶)

مشبه: گره زدن طره توسط بنفشه؛ مشبه‌به: زلف یار؛ ادات تشبیه: محذوف؛ وجه شبه: گره در گره و زیبایی و تیرگی؛ در این تشبیه تمثیل حکایت گونه، در ضمن صنعت زیبای تشخیص در هر دو مصرع، تشبیه تفضیلرا دپیش روی خواننده به نمایش می‌گذارد در عرف تشبیه زلف را به بنفشه تشبیه می‌کنند و در اینجا در هنر هنرمندانه حافظ بنفشه به زلف تشبیه شده تا برتری زلف را نشان دهد. مخاطب این کلام زیبایی حافظ عاشقان

و دل‌باختگانند که از روی نوع مخاطب به اغراض و معانی مجازی کلام که اهمیت و ارزشمندی معشوق و برتری اوست دست می‌یابیم.

– جایگاه کلمه یا جمله‌ای که می‌تواند به عنوان نشانه در القای معانی ثانوی کلام مؤثر باشد.

گاهی در عبارت متن نشانه‌هایی است که در نقش قرینه معنای ثانوی جمله آشکار می‌شود. نشانه چیزی است برای نشان دادن چیز دیگر؛ به عبارت دیگر نشانه دارای تطابق و یکسانی ویژگی‌های یک چیز و مرجعش می‌باشد زبان نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر مفاهیم هستند. (مشکوه الدینی، ۱۳۸۶: ۷ به نقل از سوسور: ۱۵) تعریف شاخصه‌ها و نشانه‌هایی که بتواند اغراضی را از هم تفکیک کند غیرممکن نیست و این تلاش برای بازشناساندن اغراض ثانوی بسیار ضروریست و باید صورت پذیرد. این بیان در جمله‌های تمثیلی قرآن که گاه چندین جمله بر روی هم یک مفهوم واحد را می‌رساند کاملاً آشکار است و با شناخت نشانه، معانی ثانوی درست و دقیق متن را می‌توان دریافت «با توجه به این که مقاصد ثانوی جمله‌ها به نوعی کاربرد مفاهیم مجازی است و هر کاربردی مجازی قرینه‌ای دارد که دلالت بر معنی غیر حقیقی از سوی گوینده دارد اغراض ثانوی جمله‌ها هم نشانه‌هایی دارد که ذهن مخاطب را به دریافت درستی از مقصود گوینده نزدیک می‌کند که نوع و انواع جمله‌های قبل و بعد و یا کاربرد واژگانی خاص که میتواند دلیلی متقن بر مفهوم و معنای ثانوی در جمله و مقصود نهایی گوینده باشد.

در جمله تمثیلی آیه ۱۷۶ اعراف می‌خوانیم: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/۱۷۶)

جمله «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ» «او به زمین دنیا گرایید» اخلد از ماده اخلاذ به معنی سکونت دائمی در یک جا اختیار کردن و اخلد الی الارض برای همیشه به زمین چسبید که «کنایه از جهان ماده و زرق و برق لذات نامشروع زندگی مادی است.» (تفسیر نمونه، ج ۷: ۹۳ و ترجمه تفسیر الامیزان، ج ۸: ۴۳۴) قرینه جمله تمثیلی برای رهایی به معنی و مقصود ثانوی کلام تمثیلی است بدون در نظر گرفتن کلمه ارض که مراد «از آن مسائل حقیر مادی و دنیوی است.» (تفسیر نور، ج ۳: ۲۲۱) معانی ثانوی حاکم بر کل جمله اظهار ندامت و ملامت است. اما با قرینه قرار دادن ارض و مراد از آن که مطرح شد نوعی پستی و رذالت و ضعف و ناتوانی به ذهن متبادر می‌نماید. وجود چنین واژه‌هایی دال بر غرض ثانوی قرائن آشکارتری در جهت دریافت درست و کامل آن در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در آیه ۱۰ نساء می‌خوانیم:

« إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا » (نساء/۱۰)

واژه «فی بطونهم نارا» قرینه شاخصی است در جهت القای مقصود ثانوی جمله خبری تمثیلی یعنی سوزندگی، گرما و ترس ناشی از آن است و این گونه ره‌یابی به اغراض ثانوی جمله، حاکی از نظم خاصی است که در چیدمان و هم‌نشینی واژه‌ها برای درک بهتر معنی و مقصود کلام دیده می‌شود که جرجانی از آن به عنوان نظریه نظم یاد می‌کند. فصاحت و بلاغت کلام منوط به نظم حاکم بین واژگان و شناخت کلید واژه‌هایی که رهنمون مخاطب در دست‌یابی به مقصود نهایی کلام است در علم زبان شناسی جدید نظم جمله و عبارت‌ها را در قالب انسجام متن از آن یاد کرده‌اند. (ر. ک. هالیدی و حسن نظریه انسجام متن) در آیه بالا، بیان واژه نار (آتش) خود مقتضای حال شنونده دوره جاهلیست که بر پایی آتش از ضروریات زندگیشان بود.

در بیت

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
(غزل ۷۷)

حافظ در این بیت با تلمیح به آیه شریفه قرآن، یار خود را حوری، خانه‌ی او را غرفه بهشتی و چشم گریان واشک همیشه روان خود را که در زیر آن قصر از غم دوری جاری می‌سازد به جویباران بهشتی که از زیر قصر می‌گذرد تشبیه کرده است.

مصراع اول مشبه و مصراع دوم مشبه به؛ وجه شبه: جاری ساختن نه‌ری در زیر قصر و بام حوری سرشت، که خود دلیل تشبیه تمثیل است. چشم و نه‌ر، از نشانه‌های کلامی است که با دیدن آن ره‌یابی به معانی ثانوی کلام را برای مخاطب میسر می‌سازد؛ زیادی و افزونی گریه در فراق روی یار از آن مستفاد می‌شود.

– جایگاه مؤثر سخن گفتن در القای معانی ثانوی کلام

تأثیر کلام و نفوذپذیری آن از اهم اصول بلاغت است سخن را به گونه‌ای باید بیان کرد که مؤثر باشد «بحث از معانی ثانوی جمله‌ای که به مقتضای حال مخاطب ایراد شده باشند مراد ما این است که در مخاطب مؤثر افتاده باشد.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۲) گوینده هر چه از امکانات بیانی برای تأثیر بیشتر کلام استفاده کند نفوذپذیری آن بیشتر خواهد بود. استفاده از صناعات بدیعی و بیانی تأثیر چشمگیری در القای معانی ثانوی عبارت، بویژه در عبارت‌های تمثیلی یکی از این موارد است و اگر در کلام الهی نمونه‌هایی از تمثیل و تشبیه دیده می‌شود از این جهت است. نحوه بیان در موقعیت خاص از تأثیر گذاری کلام و در القای بیان معانی ثانوی کلام مؤثر است.

در عبارت تمثیلی «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه/۵) در این عبارت نفوذپذیری کلام از تشبیه و تمثیلی است که در ذکر شده است «مثل الاغی که کتاب حمل می‌کند.» مخاطب آگاه، با این تشبیه، دریافت سخن می‌کند و از آن متوجه می‌شود که هدف بیان معانی ثانوی آن و همان بی‌نتیجه بودن و عمل نداشتن است. لفظ حمار و به کار بردن آن برای بی‌عملان به احکام الهی، لفظی رسمی و محترمانه نمی‌باشد و اثر و نفوذ پذیری کلام از همین واژه در رابطه با عمل بی‌نتیجه آنان واضح است.

یا در عبارت تمثیلی: «صَمَّ بُكْمٌ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» (بقره/۱۸) تأثیر پذیری صم و بکم و عمی که به طور موجز و خلاصه بیان شده است چندان در مخاطب تأثیر گذار است که هزاران جمله از عهده آن برنمی‌آید کوری، کری، کنگی در ظاهر و تصور انسانی با این شرایط در باطن در اغراض ثانوی کلام که همان عدم شناخت و دوری از نعمت است، بسیار موثر افتاده است. واژه صم و بکم و عمی که نقصی در وجود آدمی را می‌رساند، در خطاب با کسانی که انکار آیات دارند هم‌خوانی زیاد دارد چنان که در تفسیر این آیه هم می‌خوانیم «کسی که از عطایای الهی در راه حق بهره‌نگیرد همانند کسی است که فاقد آن نعمت است.» (تفسیر نور، ج ۱: ۶۸)

در بیت

رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد هم‌چنان در آتش عشق تو سوزانم چو شمع (دیوان، ۲۹۴)

در مصراع اول، صبر و غم مشبه و رشته و مقراض مشبه‌به، هر دو اضافه تشبیهی و تشبیه بلیغ است در مصراع دوم، عشق مشبه و آتش مشبه‌به و آتش عشق اضافه تشبیهی، تشبیه دیگر این مصراع، مشبه خود شاعر و محذوف و مشبه‌به شمع و وجه شبه سوزندگی است. شاعر با این تشبیهات آلام درونی خود را به تصویر کشیده، با وجود این که قیچی غم تو رشته طولانی صبر من را بریده و کوتاه کرده؛ اما هم‌چنان من در آتش فراق تو چون شمع سوزانم. مصراع دوم بیان حال خود شاعر (یا عاشق) است. آلام درونی خود را با سوزندگی و آتش بیان کرده است.

موضوع این تشبیه تمثیل کلام حافظ که بریدن و انفصال است و به زیبایی در کلامی موزون و تشبیهی زیبا بیان داشته است، در بیان معانی ثانوی کلام که بی‌تحملی همراه با سوز و گداز درونی است، بی-تأثیر نیست.

– جایگاه موضوع کلام در القای معانی ثانوی کلام امری ناگسستنی است.

«نوشتن به مقتضای موضوع» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۰) تأثیر زیادی در بیان و القای معانی ثانوی در ذهن مخاطب دارد گوینده و نویسنده‌ای که در نوشتن، مقتضای موضوع را در کنار دیگر موارد رعایت می‌کنند از بلاغت کلام برخوردار است به گفته‌ی لاکان: «آن گاه که ناخودآگاه یک متن را می‌خواند گامی به سوی فهمیدن زبان دیگری که در درون خود دارد برمی‌دارد موضوع تحلیل، دیگر نه نویسنده است و نه خواننده، بلکه کنش خواندن است.» (یاوری، ۱۳۸۶: ۶۳) با توجه به این مطلب که مقاصد ثانوی جمله‌ها به نوعی کاربرد مجازی مفاهیم است. پس موضوع و بیان مفاهیم کلام در القای معانی ثانوی تأثیر شگرفی دارد و شناخت موضوع در انتقال معانی ثانوی جمله مؤثر است. در آیه‌های تمثیلی قرآن در جاهایی که موضوع کافران و عمل ناپسند آنان مدنظر است تمامی اجزا از لغت تا تشبیهات و استعارات همه در خدمت موضوع هستند تا یک تأثیر واحد، هماهنگ و یکدست را القا کنند.

در آیه تمثیلی «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت/۴۱)

استفاده از عنکبوت و لانه آن که موضوع اصلی این کلام تمثیلی است در القای معانی ثانوی کلام که سستی و بی‌اساسی است مؤثر واقع شده است. اشاره به عنکبوت و سست بودن خانه آن برای کسانی که غیر خدا را اولیا قرار دهند از بلاغت بالای کلامی برخوردار است.

یا در آیه: أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹)

که موضوع آن ترسیم وجود کافران و غیر مؤمنان است واژه‌های ظلمت، رعد و برق، در القای موضوع بسیار مؤثرند و توجه به موضوع کشش به سمت معانی ثانوی کلام را که همان ترس و وحشت حاصل از رعد و برق و سیاهیست برای ما میسر می‌سازد. چنین واژه‌هایی تناسب و هم‌خوانی با موضوع آیه دارند و در تأثیر کلام و القای معانی ثانوی کلام مؤثر است.

در بیت

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی نکن شیخ صنعان خرقة رهن خانه‌ی خمار داشت
(دیوان، غزل ۷۷)

در این تشبیه تمثیل، مشبه: مصراع؛ مشبه‌به: مصراع دوم؛ وجه شبه: هراس نداشتن از بی‌آبرویی، همگی مرکب هستند.

از زاویه دیگر، تشبیه ضمنی است. مصراع دوم مشبه به مصراع اول و دلیل عقلی است برای مشبه در مصراع اول، و حسن تعلیل این تشبیه است. در فکر بدنامی نبودن در راه عشق، دلیل آورده آن هم این که شیخ بزرگ و عارفی چون صنعان با بدنام کردن خود، خرقة که در عالم عرفان با ارزش و مقدس است در رهن شراب گذاشت تا با نوشیدنش اندوه عشق فرو نماند. قید اگر در ابتدای تشبیه، تأکیدی است بر اینکه رعایت این نکته حتمی است. هدف از تشبیه تبیین حال مشبه است. تأثیری که شیخ صنعان و داستان آن بر مخاطب می‌گذارد می‌تواند در القای معانی ثانوی کلام موثر باشد، با درک تشبیه تمثیل در این کلام و داستان شیخ صنعان معانی ثانوی کلام حافظ که همان، منحرف نشدن از راه و توجه به مسیر درست انتخابی است به ذهن متبادر می‌کند.

– جایگاه حروف و صامت و مصوت‌های کلام در القای معانی ثانوی

همان‌گونه که کلام و واژه‌ها می‌توانند در القای معانی ثانوی مؤثر باشد، حضور صامت‌ها و مصوت‌های یکسان و هم‌مخرج و تکرار آنها در القای سخن مؤثر و بلیغ و به تبع معانی ثانوی کلام مشارکت زیادی دارند.

گاهی تکرار واج‌ها، علاوه بر زیبا کردن ظاهر اثر، در ایجاد ارتباط و ترغیب یا تحذیر مخاطب در امری خاص مؤثر واقع می‌شوند به کارگیری واج‌ها و نحوه تکرار آنها در چگونگی درک و فهم مضمون و اغراض ثانوی کلام توسط مخاطب مؤثر است.

اصوات می‌توانند در کنار یکدیگر به سخن حالت خاصی بدهند و تأثیر لازم و ضروری مد نظر گوینده را در برداشته باشند. «تکرار واج‌ها و مصوت‌ها بالقوه القاگر است و ارزش آن زمانی آشکار می‌شود که اندیشه به بیان آمده با چنین تکراری تناسب و ارتباط داشته باشد.» (پویان، ۱۳۹۱: ۳۹)

الف) تکرار واج

در آیه تمثیلی: *يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ* (انبیاء/۱۰۴)

تکرار واج – در هجاهای کلام و تکرار آن که بر روی هم القاگر معانی ثانوی عظمت و بلندی و رفعت است. به کار بستن چنین واکی یاریگر است تا تأثیر عظمت و بزرگی او را چندبرابر کند. هم‌خوان‌های انسدادی «و، ک» سبب ایجاد هیجانی تند و تکان دهنده است و آوای واکدار «ط» به دلیل شدت و آهنگ سختی که دارد در آشکار ساختن القای معانی تأثیر دارد و القاگر انجام کاری عظیم و سترگ است.

در آیه: *مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ* (بقره/۱۷)

استفاده بیشتر از واج - و آ در کلام تمثیلی و بالا و پایین کردن این واکه‌ها به القای معانی ثانوی نوعی هشدار و تحذیر اشاره دارد که بهره‌یزید از نوری که دوامی ندارد. در اینجا تکرار واج - به نوعی هشدار برای به هوش بودن مخاطب در مسیر زندگی می‌افزاید. هم چنین تکرار واج - در بالای کلمه‌ها می‌تواند بیان معانی ثانوی عظمت و توانایی خالق هم نشان دهد و تأثیر آن عظمت و بزرگی را در برابر کافران چند برابر می‌کند تکرار واج م (لبی) در ابتدای کلام تمثیل مثل الذین بر استحکام گفتار می‌افزاید و برای القای معانی ثانوی کلام در شنونده مؤثر است و شنونده را منتظر کلامی پند پذیر، بر حذر دارنده و تشویق شونده می‌دارد.

ب) تکرار هجا

در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه/۵) تکرار هجای حمل در سه نقطه از آیه تمثیلی بالا و بسامد بالای آن می‌توان گفت علاوه بر تاکید، در انتقال مفهوم و مقصود ثانوی کلام که همواری رنج بی فایده است مؤثر است.

واج ح در هجاهای تکراری بالا، (که حرکت سریع و بی صدا را می‌رساند) سبب القای این معنی تأثیر گذارتر آن شده است. همچنین، هجای بلند آ در کلمات جمله، سبب ایجاد ریتمی زیبا در کلام است و گویی خداوند با بالا و پایین کردن این واکه‌ها نوعی هشدار و تحذیر را به نمایش گذاشته است.

در بیت

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب

چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

(دیوان، غزل ۳)

مشبه: صبر از دل بردن لولیان؛ مشبه به: به یغما بردن سفره توسط ترکان؛ ادات تشبیه: محذوف؛ وجه شبه: غارتگری و آشوب؛ در این تشبیه تمثیل زیبا که هم طرفین تشبیه و هم وجه شبه آن مرکب است، صفت «شوخ شیرین کار شهر آشوب» برای لولی که آغاز واژگانش با حرف «ش» و جزیی از مشبه است؛ استفاده از حرف شین در همراهی صفت و موصوف در این ترکیب زیبا و جذاب و مصوت بلند آ در سراسر بیت، که کششی با خود دارد در یاری رساندن به معانی ثانوی کلام، همان شورانگیزی و پویایی و عدم سکون، مؤثر است.

– جایگاه موسیقی کلام در القای معانی ثانوی

گاه چینش واژگان در محور هم‌نشینی به ایجاد فضایی موسیقایی کمک می‌کنند که گوش را می‌نوازند و رابطه معنایی ویژه‌ای با آهنگ خویش دارند. به کارگیری کلمه‌ها و موسیقی خاص، متن را بسیار گیرا و دلپذیرتر می‌کند متن موزون و انتخاب واژگان با ایجاد موسیقی به انتقال معانی ثانوی کمک می‌کنند نرمی آهنگ و فخیم بودن آن در القای اغراض ثانوی کلام سنخیت دارد ساختار آوایی کلام از رهگذر مجموعه اصوات، به گونه‌ای غیر مستقیم مفهوم مورد نظر را از لابلای کلمات سر می‌دهد. و قرآن کریم در این زمینه بی‌همتاست.

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲) در آغاز این کلام تمثیلی موسیقی حرف «ن» در الذین، آمنوا، اجتنبوا، تکرار شده که از حروف جهری، اسنانی، لثوی، انفی است که با خروج هوا از دهان و بینی شکل می‌گیرد و نوعی انتزاع را تداعی می‌کند این صوت و موسیقی کلامی با مفهوم آیه که پرهیز و دوری از عمل ناپسندغیبت است تناسب دارد. موسیقی مصوت بلند آ ای او در ابتدای کلام «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا» و باز ماندن دهان در حین ادای حروف سازنده آن علاوه بر بیان نوعی هشدار، یاد آور حیرت و شگفتی کلام نیز هست. هم-چنین موسیقی تکراری آ در ابتدای تمثیل برجستگی موضوع را آشکار و رفعت و بلندی ایمان آورندگان را می‌رساند. هم‌چنین در هر جمله «واژه‌هایی که تکیه جمله روی آن است سبب می‌شود تکیه واژه‌های بعد از بین برود که به این واژه‌ها نقطه اطلاع گویند و حاوی پیام اصلی جمله است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۱۸). در کلام تمثیلی ذکر شده، آهنگ کلام در همان کلمه‌های ابتدایی است که از آهنگ کلام پی به منظور گوینده که دوری و حذر است می‌بریم. علاوه بر تکیه، از روی تواتر آهنگ افتان و خیزان جمله‌ها نیز می‌توان پی به مقصود ثانوی کلام برد «چنان چه در سطح جمله در زیر و بمی تغییری حادث شود آن تغییر در زیر و بمی را آهنگ نامند یعنی ادا شدن آواهای قسمتی از جمله با تواتر (فرکانس) بیشتر یا کمتر نسبت به آواهای قسمت دیگر باعث می‌شود جمله با آهنگ خاصی ادا شود و مفهوم به خصوصی را ادا کند.» (غلامعلی زاده، ۱۳۷۴: ۳۰۱) با این تعابیر در جمله‌های خبری تواتر آواها در آغاز کلام و در جمله‌های امری پرسشی و تعجبی، تواتر آواهای پایانی جمله‌ها بیشتر است؛ یعنی الگویی خیزان دارند و در کلام یاد شده چون کلام با جمله امری آغاز شده و اجتناب و دوری را می‌رساند از طریق جمله‌های بعد که فرکانس جمله را دربر دارد و یادآور و مصادیق دوری و پرهیز است، که در ابتدای

کلام آورده است، باز مخاطب را در معنی ثانوی کلام و مقصود گوینده یاری می‌دهد.

همچنین در آیه تمثیلی ۸ و ۹ معارج: **يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ**

آهنگ متن چنان بالاست که خبر از یک واقعه عظیم دارد، کلمات این متن کوتاه تمثیلی با وجود این که اشاره‌ای مستقیم به واقعه قیامت ندارند؛ اما نوع کلماتی که انتخاب شده‌اند سنگین و دلهره‌آور انتخاب شده‌اند تا علاوه بر ترسیم صحنه، گویای معنی سنگین این کلام که خود از ویژگی راه‌یابی به معانی ثانوی کلام است باشد. واژه «سما و جبال» و «مهل و عهن» با ضرب آهنگ جناسی خود و متناسب با فضای بیان کلام، نشان از اغراض ثانوی کلام که اشاره به عظمت الهی و قدرت وی دارد و در دیگر معنا هشدار به واقعه‌ای عظیم را یادآور است.

یا در عبارت **صُمِّ بَكْمٌ وَ عُمِيٌّ**: احساس وفور صامت «م» و مصوت «-» در این مصراع نه به دلیل تعداد آن، بلکه به دلیل خصلت موسیقایی آن و دوم جایگاه آن که همه در پایان کلام واقع شده‌اند و صامت «م» که از صامت‌های خیشومی غنه‌دار است، با توجه به آیه قبل، که این آیه تکمیل‌کننده آن است، رضایت نداشتن از عمل و رفتار کافران را بازگو می‌کند.

در بیت

تاب بنفشه می‌دهد طره مشکسای تو پرده غنچه می‌درد خنده دلگشای تو

(دیوان، غزل ۴۱۱)

هر دو مصراع بیت بالا دارای تشبیه از نوع تمثیل است؛ البته باید توجه داشت که تشبیه هر دو مصراع در نگاه اول تشبیه ضمنی است و بعد تشبیه تفضیل و معکوس و در نهایت تشبیه تمثیل به جهت وجه شبه مرکب آن است؛ مصراع اول، بنفشه که هم چون زلف مشکبیز تو است (تشبیه معکوس)؛ مصراع دوم، غنچه که هم چون دهان تنگ توست (تشبیه معکوس) و غنچه را رسوا می‌سازد (تشبیه تفضیل).

وجه شبه در مصراع اول خشمگینی و مضطرب ساختن و وجه شبه مصراع دوم، رسوایی و برتری است. در این تشبیه موسیقی کناری در مصراع اول «مشکسای تو» و در مصراع دوم «دلگشای تو»، مصوت بلند «آ» و کشش آن، رفعت و بلندی و برتری را می‌رساند که دلیلی برمعانی ثانوی کلام در این بیت است که برتری و بالایی طره خوشبوی تو و خنده زیبای تو را می‌رساند.

– جایگاه صنایع بدیعی و بیانی در القای معانی ثانوی

صنایع بدیعی و بیانی در کلام باعث زیبایی می‌شوند و به عنوان یک فاکتور زیبایی

متن به حساب می‌آید. بحث زیبایی و زیبایی شناسی از زمان ارسطو باب شده است ارسطو زیبایی را «در هماهنگی اجزا و دقیق بودن» می‌داند. (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۴). هم‌چنین «زیبایی، جور آمدن و هماهنگی اعضای متشکله و کیفیت هر شیء یا هر جسم با داشتن سازش با پیرامون و ایجاد تأثیر جاذب و ستایش آور در انسان است.» (دانشور، ۱۳۷۵: ۱۳۵)

صنایع بدیعی از جمله شیوه‌های زیبایی‌آفرینی کلام هستند و مجموعه «شگردهایی که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری تعالی می‌بخشد.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۱). صنایع بدیعی و بیانی هر کدام به نوعی در القای معانی ثانوی کلام مؤثرند که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌رود:

الف) تکرار الگوی نحوی

ترفندی است بر زیبایی کلام که علمای ی بدیع بدان توجه نداشتند و در کلام شعری و نثری زیبا و برجسته است «در تکرار الگوی نحوی چون ویژگی‌های نحوی بخش دوم بخش اول را تداعی می‌کند و ذهن از این دریافت لذت می‌برد تکرار نحوی قرینه‌سازی نحوی می‌باشد و مانند هر قرینه‌سازی دیگری زیباست علاوه براین تکرار نحوی با تاکید همراه است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۵۷). نمونه این زیبایی کلامی که باعث تداعی معانی ثانوی کلام می‌شود آیه ۳۵ سوره نور است *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* (نور/۳۵) که تکرار نحوی یکسان در جمله‌های اولیه آیه، یادآور نوعی تاکید بر موضوع را از معانی ثانوی می‌رساند و با صفات پیوسته خود هم به ذهن خواننده نزدیک می‌شود و مجسم کننده تصویر از این نور در ذهن است.

ب) تضاد

یکی از پیوندهای معانی میان کلمات است تضاد در بعد معنایی در حوزه بلاغت و از مقوله‌های بلاغی به حساب می‌آید.

در آیه *أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* (انعام/۱۲۲)

حضور واژه‌های میت، احییت و نور و ظلمت که در تضاد یکدیگرند تداعی گر مضمون حرکت از تاریکی و سکون به سمت روشنایی و هدایت است می‌تواند بیانگر معانی ثانوی نجات و رستگاری باشد.

یا در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (ابراهیم/۱۸) وجود کلمه «رماد» (خاکستر) و «ریح فی یوم عاصف» (باد در روز طوفانی) آرایه‌ی معنوی تضاد وجود دارد با توجه به این آرایه و چگونگی خاکستر که پودری بسیار نرم و دوامی در مقابل طوفان ندارد آن هم در یک روز طوفانی که هیچ کس قادر به جمع آن نیست و اعمال کافران نیز بر باد رفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۹) القا کننده معانی ثانوی آیه تمثیلی که تباهی و نیستی اعمال است گوشزد می‌کند.

باز در آیه «كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (مدثر/۵۱-۵۰) دو واژه حمر (الاغ) و قسوره (شیر) در نگاه اول تناسب می‌نمایند و در دید عمیق‌تر از آن جایی که دراز گوش وحشت عجیبی از شیر دارد و حتی موقعی که صدای شیر را می‌شنود چنان وحشتی بر او مستولی می‌شود که دیوانه‌وار به هر سو می‌دود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۲۶۳) و می‌تواند در این آیه تمثیلی تضاد داشته باشد و دهشت و وحشت را به ذهن القا کند که همان معانی ثانوی آیه است چنان که در تفسیر این آیه هم آمده است «تعبیری است بسیار رسا و گویا از وحشت و فرار مشرکان از آیات روح پرور قرآن.» (همان)

ج) تناسب از موسیقی معنوی کلام و نشان از انسجام و همبستگی دارد

«نفس آدمی به هر چیز که در آن تناسب وجود داشته باشد میل می‌کند و آنچه بی‌نظام است روی گردان و مشمئز است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۹۵). در آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۲۵-۲۴) ضمن تشخیص سخن نیک به درخت نیک ریشه آن را در زمین و شاخه آن را در آسمان می‌داند. وجود آسمان و زمین در این آیه تمثیلی و تناسبی که ایجاد کرده است وسعت و عظمت و بزرگی را که از مقاصد ثانوی کلام است به ذهن متبادر می‌سازد.

در بیت

شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و روی بیست
(دیوان، غزل ۳۰)

در این تشبیه تمثیل که مصراع دوم ابرو نمودن و جلوه‌گری کردن و روی بستن که هر سه وجه شبه است در حالی که طرفین تشبیه مفرد است، همراهی و تناسب نگار، ابرو، روی، جلوه‌گری در کنار هم که تخیل زیبای شاعرانه را به تصویر کشانده در ره یافتن به معانی غیرمستقیم و ثانوی کلام موثر است، هنرنمایی و خودی نشان دادن از بارزترین معانی ثانوی کلام است که صنعت مراعات نظیر ذکر شده بالا، در ره یابی به آن کمک

کننده‌است.

– جایگاه مبتدا در القای معانی ثانوی کلام

در علم بلاغت، در متن جمله هر چه نخست آید مبتدا و هر چه بعد آید خبر است حال در بسیاری از کلام از جمله تشبیه تمثیلی آیات الهی از وجود مبتدا می‌توان به مقصود ثانوی کلام تمثیلی دست یافت.

«ارسطو برای تاثیر بیشتر کلام (Impressiveness) از جمله پیشنهادهایی که می‌کند استفاده از جمع به جای مفرد است.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۰۹). بر این اساس در کلام، اگر مبتدا به صورت جمع آمده باشد در ابتدای امر معانی ثانوی اغراق و تأکید از آن مستفاد می‌شود مثل «یا ایها الذین آمنوا» در ابتدای بسیاری از کلام تمثیلی، که از این عبارت استفاده شده باشد همه مومنان و ایمان آورندگان از امری که بعد از این جمله می‌آید مبرا باشند اما از لفظ «الذین و آمنو» نوعی اصرار و پافشاری و تأکید برای اثر بخشی بیشتر کلام در نیل به مقصود نهایی دیده می‌شود.

یا گاهی وجود و شروع جمله با ضمیر که هم برای تعظیم و بزرگداشت و هم خواری و حقارت به کار می‌رود واژه‌ای که بعد از آن می‌آید از جهت عظمت یا خواری، ما را در رساندن به معانی ثانوی کلام بهتر و بیشتر رهنمون می‌سازد؛ چنان که در آیه «کانهم حمر...» (گویی هم چون الاغی...) حقارت و پستی از معانی ثانوی کلام مستفاد است. در آیه تمثیلی «تَنْزَعُ النَّاسُ کَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» (قمر/۲۰) از ابتدای کلام، واژه «تنزع الناس» (برکندن مردم) که جنبه استعاری هم دارد می‌تواند به معانی ثانوی مقصود نهایی کلام تمثیلی که نوعی تباهی و نیستی است پی برد.

واقع شدن فعل با بار منفی یا مثبت در ابتدای کلام نیز در نیل به مقصود معانی ثانوی کلام بی تاثیر نخواهد بود، هم‌چون فعل «تنزع» (برکندن) در مثال بالا...

دربیت

با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام

نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش

(دیوان، غزل ۲۸۶)

در تشبیه تمثیل بیت بالا، مشبه: دل خونین و لب خندان داشتن؛ مشبه‌به: جام؛ ادات تشبیه: همچو؛ وجه شبه: زیبایی و پویایی در نهایت دردمندی؛ تقدیم دل خونین در ابتدای کلام تشبیه به دلیل اهمیت آن و به دنبال آن لب خندان که ما را به نوعی در تضاد و دوگانگی می‌کشاند و ترکیبی با بار معانی دلنشین را در ترکیب با بار معانی غم انگیز همراه می‌کند در دست‌یابی به معانی ثانوی کلام تأثیر بسزایی دارد و مخاطب با شنیدن این

کلام و در تعارض بودن لب خندان و دل خونین در اول مصراع تشبیه تمثیل حافظ، به معنی غیر مستقیم کلام و اغراض ثانوی کلام که خوشباشی و شادی در عین دردمندی است رهنمون می‌دارد.

لازم است در پایان اشاره کنیم، راه‌یابی به معانی ثانوی کلام بیش از این مواردی است که در اینجا برشمردیم و با دقت و دانایی و درک بهتر از کلام چه تمثیلی و چه غیر تمثیلی می‌توانیم به مواردی-هایی غیر از موارد برشمرده بالا دست یافت که بتواند یاریگر مخاطب در دست یافتن به معانی ثانوی باشد.

۳- نتیجه‌گیری

مبحث معانی ثانوی خبر و انشا از مهم‌ترین بحث‌های علم معانی است و اهمیت این فن در ارائه شیوه‌های سخن به مقتضای حال مخاطب و تأثیرگذاری آن در فهم متون و گفتار بشر از گذشته‌های دور تا کنون، اهمیت و نقش آن را ضرورت می‌بخشد از مباحث مهم و پرکاربرد علم معانی، توجه به اغراض ثانوی کلام خبری و انشایی است که در کتاب‌های بلاغی در ضمن کلام خبری و انشایی به آن پرداخته‌اند نوع و تعداد اغراض و تفاوت‌ها و تنوع آن‌ها در کلام خبری و انشایی متفاوت آورده شده است و در برگیرنده معانی با بار مثبت و منفی و پوشش دهنده احساسات آدمی است، بازتاب علم معانی و توجه به معانی در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، نقد ادبی، دستور زبان فارسی و.... انعکاس و درخور اهمیت جلوه داده‌اند. به جهت اهمیت معانی ثانوی کلام و جایگاه ویژه آن در فهم معانی مجازی کلام، توجه به مواردی ضرورت می‌یابد که بر این اساس به نقد و تحلیل وجوه و جایگاه مغفول دست‌یابی به معانی ثانوی کلام بر مبنای شواهدی از آیه‌های تمثیلی قرآن پرداخته‌شد. مواردی که می‌تواند در سیاق کلام موردتوجه واقع شود تا با رویکردی تحلیلی، شاخصه‌هایی که در درک معانی ثانوی جمله مؤثرند بررسی و تبیین شود. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که برای دست‌یابی بهتر و آسان‌تر معانی ثانوی کلام در برخی موارد می‌توان به سیاق ظاهر کلام و در برخی موارد به سیاق درونی کلام و گاهی هردو در کنار یکدیگر در القای معانی ثانوی کلام مؤثر واقع می‌شوند گاهی چندین معنی در کنار هم بیانگر اغراض ثانوی جمله‌اند و در دیگر موارد یک معنی غالب بر دیگر معانی، در حکم اغراض ثانوی کلام است. در برخی از جمله‌ها، از مخاطب کلام پی به معنی ثانوی می‌بریم و گاهی از روی متکلم و گوینده کلام. وجود صامت‌ها و مصوت‌هایی خاص و هم‌مخرج و تکرار آن‌ها نیز می‌توانند یاریگر ما در معنی ثانوی باشند. سهم موسیقی کلام هم در این زمینه نباید دست کم گرفت، گاه آهنگ و موسیقی کلام، در القای معانی

ثانوی تأثیرگذارند. آهنگ و تکیه عوامل آوایی مشخص‌کننده پیام و مفهوم جمله‌اند آهنگ نیز جدا از تکیه نمی‌توانند نمود داشته باشند گاه جمله‌ها به صورت پرسش، گاه امر گاه نهی استفاده می‌شود که این جمله‌ها همراه با تکرار، که از ویژگی سبکی کلام الهی است در تبیین معانی ثانوی کلام مؤثر است. در برخی جمله‌ها هم، شناخت نشانه‌هایی که در نقش قرینه صارفند یاریگر ما در دست‌یابی به معانی ثانوی کلامند. دست یافتن به معانی ثانوی کلام از روی شواهدی در ظاهر و باطن کلام، به تنهایی یا در کنار یکدیگر تنها مختص کلام تمثیلی نیست در شاهد مثال‌هایی که از شعر حافظ در کنار کلام تمثیلی در هر موردی ذکر شد؛ دلیلی بر این مطلب است که نقد و بررسی راه‌های به دست آوردن معانی ثانوی کلام مطرح در پژوهش حاضر، در کلام شعری شاعران نیز کاربرد دارد و با دقت و تأمل در ارکان و اجزای سازنده کلام چه نثر و چه نظم، می‌تواند در دست‌یابی به معانی غیرمستقیم و اغراض ثانوی کلام مؤثر باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*، چاپ اول، ج ۱، تهران: نشر مرکز.
- ۳- پالمر، فرانک. (۱۳۶۶). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- ۴- پویان، مجید. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی شعر حافظ با توجه به دیدگاه‌های موریس گرامون*، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، (بهار ادب) شماره ۳، صص ۳۵-۴۷.
- ۵- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۰). *شرح سعد معروف به مختصر المعانی*، چاپ اول، قم: انتشارات سیدالشهدا مکارم شیرازی، ناصر و گروه نویسندگان (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه،
- ۶- جرجانی، عبدالقادر. (۱۳۶۸). *دلایل الاعجاز فی القرآن*، ترجمه محمد رادمنش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۷- جمالی، فاطمه. (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشاء در علم معانی»، *دوفصلنامه کاربردی و نقد بلاغی*، سال اول، شماره دوم، صص ۹۵-۱۱۶.
- ۸- حافظ، دیوان. (۱۳۷۷). *به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر*، ج ۲۱، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۹- دیباجی، سید ابراهیم. (۱۳۹۱). *بدایه البلاغه*، چ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۴۰). *معالم البلاغه در علم معانی بیان و بدیع*، انتشارات دانشگاه شیراز.

- ۱۱- سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۳). **تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن**، ذ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). **موسیقی شعر**، تهران: نشر آگه.
- ۱۳- ----- (۱۳۹۱). **رستاخیز کلمات**، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). **معانی**، چ چهارم، تهران: نشر میترا.
- ۱۵- شیرازی، احمد امین. (۱۳۹۳). **آیین بلاغت: شرح فارسی مختصر المعانی (علم معانی)**، ج ۱، چ ۵، ناشر: فروغ قرآن.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۷). **تفسیر المیزان**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- ۱۷- غلامعلی زاده، خسرو. (۱۳۷۴). **ساخت زبان فارسی**، تهران: احیای کتاب.
- ۱۸- قراءتی، محسن. (۱۳۷۴). **تفسیر نور**، ناشر: مؤسسه در راه حق، مزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۱۹- قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). **آوا و القا**، تهران: هرمس.
- ۲۰- کزاری میر جلال الدین. (۱۳۸۵). **معانی زیبا شناسی سخن پارسی**، تهران: کتاب ماد.
- ۲۱- مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۸۶). **سیر زبان شناسی**، چ چهارم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۲- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۷۹). **بدیع از دیدگاه زبان شناسی**، تهران: انتشارات بوستان.
- ۲۳- ----- (۱۳۸۳). **دستور زبان فارسی (۱)**، تهران: سمت.
- ۲۴- هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). **جواهرالبلاغه**، ترجمه استاد حسن عرفان، چاپ سوم، قم: نشر بلاغت.
- ۲۵- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۴). **معانی و بیان**، چاپ سوم، تهران: نشر هما.
- ۲۶- یاورى، حورا. (۱۳۸۶). **روان کاوی و ادبیات**، چاپ دوم، تهران: سخن.